

وظایف حقوقی زوج نسبت به زوجه

سیران کهریزان پور

مدرسه علمیه فاطمه زهرا (س) کامیاران کردستان

چکیده

خانواده واحد اجتماعی است که از ازدواج زن شوهر تشکیل شده و فرزندان آن را تکمیل می‌کنند. یکی از سنت‌های پسندیده بشری که از دیرباز میان انسانها متداول است. بی شک، تشکیل زندگی متضمن اهدافی است که شامل آرامش روحی و روانی، تکثیر نیل بشری، تأمین غریزه جنسی و شهوانی، پرورش فرزندان سالم، تکامل اخلاق و معنویت، حفظ ایمان، گسترش روابط اجتماعی و رشد اقتصادی می‌باشد. از این رو، زن در خانواده وظایفی بر عهده دارد؛ از جمله: وظایف زن نسبت به همسر، فرزندان و اطرافیان که با اجرای هر کدام می‌تواند کانون گرم خانواده را به محیطی برای پیشرفت و تعالی تبدیل کند. هم‌چنین، شوهر نیز حقوق و وظایف خاصی نسبت به زن خویش دارد؛ که از قبیل سرپرستی و قیومیت خانواده، حقوق مادی و نفقه زن، تأمین نیاز جنسی زن، غیرت و محافظت از وی، احترام و خوش‌رفتاری با همسر می‌باشد. نگارنده در مقاله حاضر به بررسی تفصیلی موارد پیش‌گفته پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق زوج، نفقه، مهریه، خانواده.

۱- مقدمه

خانواده هسته مرکزی اجتماع است و نخستین اجتماعی است که شخص در آن گام می‌نهد و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و تعاون و از خودگذشتگی را در آن فرامی‌گیرد و کانونی برای حمایت از انسان است. همین‌که نکاح به شکل صحیح و قانونی واقع شود، حقوق و تکالیفی برای زوجین ایجاد می‌شود که حقوقدانان از آن به آثار نکاح تعبیر می‌کنند. برخی در این باره گفته‌اند: مقصود از روابط زوجیت، همان مسائل جنسی است. ولی به نظر می‌رسد که روابط زوجیت، مطلق و دارای معنایی گسترده است و همه روابط شخصی (غیرمالی و مالی) زوجین را در برمی‌گیرد. در مقاله حاضر به بررسی حقوق و تکالیف مالی و غیر مالی زوج نسبه به زوجه پرداخته خواهد شد.

۲- نظام مالی حاکم بر حقوق و تکالیف زوجین

بررسی نظام مالی حاکم بر روابط زوجین مستلزم بیان مفهوم و اقسام نظام مالی و بیان منشاء آن می‌باشد و با توجه به موضوع مقاله لازم است که نظام مالی حاکم بر روابط زوجین در حقوق ایران بیان شود که در این مجال آن‌ها را بررسی می‌نماییم.

۱-۲- مفهوم و اقسام نظام مالی حاکم بر زوجین

مفهوم نظام مالی در روابط زوجین با نظام مالی در سایر عقود متفاوت و اقسام آن نیز مختلف می‌باشد که آن‌ها را در مباحث جداگانه بررسی می‌نماییم.

۱-۱-۲- مفهوم نظام مالی حاکم بر زوجین

«نظام مالی زوجین» مجموعه‌ای از قواعد است که رابطه مالی و اقتصادی زوجین با هم و رابطه آن دو با اشخاص ثالث در مواردی که مربوط به امور خانواده می‌شود را تعیین می‌کند. توضیح اینکه بررسی نظام‌های مالی مشخص می‌کند که آیا عقد نکاح تأثیری در مالکیت هر یک از زوجین نسبت به اموالی که قبل از ازدواج داشته است دارد یا خیر؟ آیا با عقد ازدواج مالکیت اموال زن به مرد تعلق می‌گیرد یا بالعکس؟ یا اینکه اموال، مالکیت اشتراکی پیدا می‌کنند؟ وضعیت اموالی که هر یک از زوجین بعد از ازدواج و در دوران زندگی زناشویی به دست می‌آورند از نظر مالکیت چگونه خواهد بود؟ اداره اموال زوجین بر عهده چه کسی خواهد بود؟ زوج یا زوجه؟ یا هر دوی آن‌ها؟ با عقد ازدواج چه حقوق یا تکالیف مالی برای هر کدام از زوجین در طول نکاح یا پس از آن به وجود می‌آید؟ در صورت انحلال نکاح وضعیت اموال چگونه خواهد بود؟ هزینه زندگی مشترک بر عهده کدام یک از زوجین است؟

۲-۱-۲- اقسام نظام مالی حاکم بر زوجین

اگر بخواهیم نظام‌های مالی زوجین را بر اساس یک تقسیم‌بندی منطقی تقسیم کنیم باید بگوئیم که نظام‌های مالی خانواده به دو دسته قراردادی و قانونی تقسیم می‌شوند.

۲-۱-۲-۱-نظام مالی قرار دادی

نظامی است که زوجین ضمن عقد نکاح در رابطه فیما بین خود تعیین می‌کنند. در همه نظام‌های حقوقی مورد مطالعه هر چند که قانونگذار نظام خاصی به عنوان نظام قانونی پیش بینی کرده است اما زوجین را از توافق بر خلاف آن را به طور کامل منع نکرده است. زوجین می‌توانند نظام مالی حاکم در روابط خود را نظام اشتراک اموال یا نظام جدایی اموال یا تلفیقی از آن دو قرار دهند. در واقع مقررات راجع به نظام مالی قانونی یا حاوی مقررات تکمیلی اند که خلاء عدم قرارداد زوجین را پر می‌کنند و یا در موردی است که توافق زوجین بر خلاف آن جایز نبوده و حکم قانون در این مورد آمره می‌باشد. در مواردی هم که طرفین برای خود نظام مالی قراردادی تعیین کرده باشند، چنانچه موضوعی پیش بیاید که در قرارداد راجع به آن تعیین تکلیف نشده باشد، حل این موضوع به مقررات مندرج در قانون ارجاع می‌گردد.

۲-۱-۲-۲-نظام مالی قانونی

در ذیل به مفهوم نظام مالی قانونی و اقسام آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲-۱-۲-مفهوم نظام مالی قانونی

نظام مالی قانونی، نظام مالی است که قانونگذار آن را به عنوان نظام مالی آمره و یا در مواردی پیش فرض، در قانون تعیین کرده است. (امیر محمدی، ۱۳۸۸: ۲۵). پس در مواردی که زوجین ضمن عقد نکاح مقرراتی راجع به رابطه مالی خود در نظر نگرفته باشند و یا اگر توافق آن‌ها در این خصوص باطل باشد، نظام مالی مذکور در قانون در رابطه آن‌ها اجراء خواهد شد.

۲-۱-۲-۲-۱-اقسام نظام مالی قانونی

نظام مالی قانونی به طور اختصار از دیدگاه نظری بر دو گونه است. نظام اشتراک اموال و نظام جدایی اموال.

۲-۱-۲-۲-۱-۱-نظام مالی اشتراک اموال

نظام مالی است که بر اساس آن تمام یا بخشی از اموال زوجین، مجموعه‌های مشترک را تشکیل میدهد که به هنگام انحلال اشتراک، بین زوجین یا ورثه ی آن‌ها تقسیم می‌شود.

۲-۱-۲-۲-۱-۱-۱-اشتراک تام

بر مبنای این تعریف، اشتراک ممکن است تام باشد؛ یعنی تمام دارایی زوجین - چه آنچه در زمان ازدواج داشته اند و چه آنچه بعد از ازدواج به دست آورده‌اند- اعم از اموال منقول و غیر منقول و عواید آن‌ها را شامل می‌شود (همان).

۲-۱-۲-۲-۱-۲-اشتراک در درآمد

ممکن است اشتراک فقط در عواید باشد. بر طبق این نظام کلیه اموالی که هر یک از زوجین و متقابلاً بدهی‌هایی که هر یک از آن‌ها در طول زندگی زناشویی به دست می‌آورند جزء دارایی مشترک آن دو محسوب می‌شود. به عنوان مثال در آمدی که هر یک از زوجین از شغل و حرفه خود به دست می‌آورند، همچنین عوایدی که از اموال اختصاصی خود تحصیل می‌کنند و به

طور کلی هر مالی که در دوره زندگی مشترک به دست می‌آورد صرف نظر از منشا ایجاد آن جزء اموال مشترک زوجین به حساب می‌آید.

در حقوق کشور فرانسه همین نوع از اشتراک اموال به عنوان نظام مالی قانونی شناخته شده است؛ یعنی وقتی که طرفین شرط خلافتی نکرده باشند و ضمن عقد نکاح نظام جدایی اموال یا اشتراک اموال تام را پیش بینی نکرده باشند، نظام مالی مشترک در درآمد در رابطه آن‌ها حاکم خواهد بود.

ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی فرانسه در خصوص درآمدهای مشترک مقرر داشته است: «اشتراک اموال در جهت مثبت آن شامل درآمدهایی می‌شود که هر یک از زوجین مشترکا یا مستقلا در طول دوره زناشویی به دست می‌آورند، چه ناشی از صنعت شخصی آن‌ها باشد، چه از فعالیت اقتصادی انجام شده بر روی ثمره و عایدات اموال اختصاصی آن‌ها». ماده ۱۴۰۹ قانون مزبور در خصوص بدهی‌های مشمول نظام اشتراک اموال می‌گوید: اشتراک اموال در جهت منفی شامل موارد زیر می‌شود: مشخصا هزینه‌ی پرداخت شده توسط زوجین و بدهی‌های ناشی از قراردادهای منعقد توسط آن‌ها راجع به امور منزل و تحصیل فرزندان بر طبق ماده ۲۲۰.

«مشخصا دیگر بدهی‌های به وجود آمده در طول دوره اشتراک و حسب مورد خسارتها».

۲-۱-۲- ۳-۱-۲- ۲-۲-۱-۳- اشتراک در درآمد و اموال منقول

نوع سوم اشتراک اموال، اشتراک در عواید و اموال منقول است. در این نوع اشتراک، زوجین علاوه بر اشتراک در درآمدهای یکدیگر نسبت به اموال منقولی هم که در هنگام ازدواج به هر یک از آن‌ها تعلق داشته و یا بعدا به صورت رایگان نصیبشان می‌شود شریک می‌شوند.

ماده ۱۴۹۸ قانون مدنی فرانسه در این خصوص مقرر داشته است: «وقتی که زوجین توافق می‌کنند که اشتراک در درآمد و اموال منقول در بین آن‌ها حاکم باشد، اشتراک در جهت مثبت علاوه بر اموالی که به موجب نظام اشتراک اموال قانونی اموال مشترک محسوب می‌شوند، شامل اموال منقولی می‌شود که زوجین در روز عقد نکاح در مالکیت یا در تصرف خود داشته یا بعد از طریق ارث یا هبه به دست می‌آورند؛ مشروط بر اینکه واهب یا موصی شرط خلافتی نکرده باشد».

در جهت منفی، مجموعه‌ی اموال مشترک در قبال مجموعه‌ی دیون پاسخگو است؛ اما سهم اجزاء مجموعه در قبال دیون به نسبت سهمی است که هر جزئی در مجموعه دارایی برخوردار است. به عنوان مثال اگر اموال موروثی یکی از زوجین یک چهارم مجموعه اموال مشترک را تشکیل دهد سهم اموال موروثی در قبال دیون متعلقه به اموال مشترک به میزان یک چهارم دیون است (جین کلود^۱، ۱۹۹۷: ۱۷۳).

۲-۱-۲- ۲-۲-۲- نظام مالی جدایی اموال

در نظام مالی جدایی اموال، هر یک از زوجین مالک اموالی است که قبل از نکاح داشته است. عقد نکاح تأثیری در مالکیت اموال آن‌ها ندارد. مضاف بر این درآمدی که هر یک از زوجین بعد از نکاح در طول دوران زندگی زناشویی به دست می‌آورند یا اموالی تحصیل می‌کند چه از راه ارث، وصیت، هبه و امثال اینها باشد یا به واسطه معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، متعلق به خود اوست و زوج دیگر، حقی نسبت به آن ندارد. همچنین هر یک از زوجین مستقلا مسؤول اداره اموال خویش است.

^۱Jean claud

۳- نظام مالی حاکم بر حقوق و تکالیف زوجین در حقوق ایران

با توجه به موارد مذکور و مذاقه در قوانین و مقررات مربوط به خانواده و نیز اصول کلی قانون مدنی می توان بر این باور بود که حقوق ایران قائل به دو نظام مالی قراردادی و قانونی در روابط زوجین می باشد که ابتدا نظام مالی قرار داده و سپس نظام مالی قانونی را مورد بحث قرار می دهیم.

۳-۱- نظام مالی قراردادی

در ذیل به مبنای نظام مالی قراردادی و مصادیق آن اشاره می نماییم.

۱-۱-۳- مبنای نظام مالی قراردادی

مبنای نظام قرار دادی در حقوق ایران، اصل آزادی اراده است که از ماده ی ۱۰ قانون مدنی منتج می شود و بدیهی است که در نظام انتخاب نظام مالی قراردادی باید حدود اصل آزادی اراده رعایت شود.

یعنی شروط قرار داد با اخلاق حسنه و نظم عمومی و قوانین امری نباید مغایر باشد. به عنوان مثال: اگر زوجین، نظام مالی خود را به گونه ای تنظیم کنند که حق تملک از یکی از آنها سلب شود، در حقوق کشور ما چنین شرطی باطل است؛ زیرا این شرط بر خلاف مقررات امری ماده ۹۵۹ قانون مدنی است که مقرر داشته است: «هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند»؛ و همچنین اگر در ضمن عقد ازدواج یا در ضمن عقد دیگری شرط شود که زوجه در معاملات نسبت به دارایی خود جلب موافقت زوج را بنماید، این شرط چون مخالف شرع نیست صحیح و لازم العمل است. ولی اگر شرط کند حق تصرف در دارایی خود ندارد چون مخالف کتاب و سنت است باطل است و نافذ نمی باشد (شاهباغ، ۱۳۸۲: ۹۷۸).

ماده ۱۰ قانون مدنی کشور ما در خصوص اصل آزادی اراده مقرر داشته است: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشند، نافذ است».

به تجربه ثابت شده است که آزادی قراردادی بهترین راه تعیین در روابط مالی است. به همین جهت قانونگذار سعی می کند که توافق طرفین به عنوان قانون حاکم در میان آنها باشد و حتی المقدور از وضع قوانین امری و محدود کننده، خودداری می کند و محدودیت قوانین طرفین را منحصر در مواردی که نظم عمومی ایجاب می کند اعمال می کند.

البته می توان گفت وضع آزادی قرار داده و اصل حاکمیت اراده در عقد نکاح تا حدود زیادی با سایر قراردادهای متفاوت است بدین توضیح که ازدواج قراردادی بسیار مهم است و از لحاظ فردی و اجتماعی قابل مقایسه با قراردادهای دیگر نیست؛ لذا قانونگذار شرایط و آثار خاصی برای آن قائل شده و آزادی اراده افراد را در این زمینه محدود کرده است. به دیگر سخن، اصل حاکمیت اراده که در قراردادهای نقش اساسی ایفا می کند در نکاح اهمیت چندانی ندارد. البته زن و مرد در انتخاب همسر و بستن و نبستن نکاح قانون آزادند. لیکن علاوه بر اینکه قانون شرایط و موانع خاصی برای نکاح مقرر داشته آثار ازدواج را اصولاً خود تعیین کرده است و اراده افراد نمی تواند این آثار را تغییر دهد؛ مثلاً زوجین نمی توانند بر خلاف قانون راجع به نفقه و ارث یا ولایت بر اطفال با یکدیگر توافق کنند یا با توافق یکدیگر ریاست خانواده را به زن واگذار نمایند. در حالیکه بیشتر قواعد

راجع به قراردادهای مالی تفسیری (تعویضی) است، اغلب قواعد نکاح امری و مربوط به نظم عمومی است؛ و توافق اراده افراد بر خلاف آن‌ها نمی‌تواند ارزش و اعتباری داشته باشد (صفایی، ۱۳۸۹: ۳۱).

اصل آزادی اراده یا اصل آزادی قرار دادی دارای حدودی است که نباید در اجرای اصل یاد شده به این حدود تجاوز نمود. علاوه بر قانون که در خود ماده ۱۰ ذکر شده، عوامل دیگری محدود کننده اصل یاد شده در ماده ۹۷۵ قانون مدنی احصاء شده‌اند. متن ماده یاد شده بدین شرح است: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجراء گذارد، اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد»؛ و به علاوه در امور مالی می‌توان گفت که مقرراتی در زمینه‌هایی مثل مهریه، نفقه و ارث وجود دارد که یا افراد حق توافق را برخلاف آن را ندارند (مثل ارث و نفقه) و یا آزادی کامل آنگونه که در سایر قراردادها وجود دارد در نکاح وجود ندارد (مثل مهریه در مواد ۱۰۸۱ و ۱۰۸۷ و ۱۰۹۳ قانون مدنی).

۲-۱-۳- مصداق نظام مالی قراردادی

مهمترین مصداق نظام مالی قرار دادی در حقوق ایران، شروط ضمن عقد می‌باشد بدین گونه که در سال‌های اخیر رسم شده است که در قبالة‌های نکاح شروطی ذکر می‌شود که در صورت امضاء، زوجین مکلف به رعایت آن هستند. امضاء شروط ضمن عقد در واقع پناه بردن به نظام قرار دادی اموال است. با توجه به اینکه شروط ضمن عقد، قراردادهای فرعی هستند که میان طرفین عقد اصلی منعقد می‌شوند، باید کلیه‌ی شرایط صحت قراردادها را دارا باشند. بدیهی است که همانطور که طرفین قرارداد می‌توانند قرارداد را اقاله کنند، الغاء شرط با تراضی طرفین و یا اسقاط آن از سوی مشروط له منعی ندارد (امیر محمدی، ۱۳۸۸: ۲۳) حتی اگر شرط نتیجه یا صفت باشد.

از جمله این شروط ضمن عقد، شرط انتقال بخشی از دارایی مرد به زن، در صورت طلاق است معروف به شرط انتقال تا نصف دارایی زوج). متن شرط مندرج در قبالة‌های نکاح چنین است: ضمن عقد ازدواج، زوج شرط نمود هر گاه طلاق به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار او نبوده، زوج مؤلف است تا نصف دارایی موجود خود که در ایام زناشویی با او به دست آورده، یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید».

۳-۱-۳- نظام مالی قانونی

قرآن کریم در سوره نساء آیه ۳۲ به این امر تصریح فرموده و استقلال هر یک از زوجین را نسبت به دارایی خود چنین بیان می‌کند: "الرجال تصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن... یعنی مردان از آنچه کسب می‌کنند بهره‌ای می‌برند و زنان هم از آنچه کسب می‌کنند بهره‌ای می‌برند».

در حقوق کشورهای اسلامی از جمله کشور ما ایران، اموال زوج و زوجه دارای مشترک را تشکیل نمی‌دهد، بلکه اموال هر یک از زوجین، مستقل و جدا از اموال دیگری است و به چنین قاعده‌ای در حقوق ایران «استقلال مالی زن شوهر دار» گفته می‌شود که این یک قاعده مترقی است که در کشورهای غربی و اروپایی، زنان پس از سالها مبارزه به آن دست یافته‌اند ولی حقوق ایران آن را از فقه اسلامی اقتباس نموده است و در روابط مالی زوجین، نظام جدایی اموال را حاکم نموده است.

ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی ایران که بر گرفته از فقه است در این خصوص مقرر داشته است که: «ازن مستقلا می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند». منظور از این دارایی اعم است از؛ دارایی قبل از ازدواج و آنچه بعد از ازدواج به دست می آورد، همچنین حقوق مالی که زن بر عهده ی شوهر دارد مانند نفقه (در بعضی موارد)، مهریه و اجرت المثل نیز مشمول ماده فوق الذکر می باشد و زن می تواند در اموال خود آزادانه تصرف کند و هر گونه عمل مادی یا حقوقی نسبت به آن ها انجام دهد و شوهر حق هیچ گونه مداخله در اموال و دارایی زن را ندارد و ریاست او بر خانواده نیز اختیاراتی را برای او در این زمینه ایجاد نمی کند (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). کار اقتصادی زن هم جزء اموال او به شمار می آید و زن مجبور نیست آن را رایگان در اختیار شوهر بگذارد، مگر کاری کند که بر حسب عرف و عادت از باب حسن معاشرت یا معاضدت و وظیفه زن محسوب می شود که زن نمی - تواند مزدی برای آن مطالبه کند (همان).

اسلام از ابتداء برای زن استقلال کامل مالی را به رسمیت شناخته یعنی همان چیزی که در حقوق بسیاری از کشورها تا چندی پیش وجود نداشته و بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلیس برای زنان شوهر دار نوعی حجر قائل بودند (بروملی^۲، ۱۹۸۶: ۴۳۰).

شهید مطهری در خصوص حقوق مالی زن می گوید:

« اسلام به شکل بی سابقه ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است؛ از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده است و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده و حق قیمومیت در معاملات زن را از مرد گرفته است و از طرف دیگر با برداشتن مسؤولیت تأمین بودجهی خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دودن به دنبال پول معاف کرده است» (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۲۰).

بنا بر آنچه که گذشت، در روابط مالی زن و شوهر در حقوق ایران، مسأله اشتراک اموال، که در برخی از کشورها پذیرفته شده است، مطرح نمی شود؛ اما مسائل مالی دیگری مثل؛ مهر، نفقه، اجرت المثل، شرط انتقال تا نصف دارایی، ارث، جهیزیه و نحله و قابل طرح است که هر کدام نیاز به بحث های جداگانه ای دارد.

۴- سرپرستی و قیومیت خانواده

در اسلام، ولایت و سرپرستی و مدیریت خانواده بر عهده ی مردان نهاده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: « الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛^۳ مردان از آن جهت که خدا برخی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می دهند، بر زنان سرپرستی و قیومیت دارند. پس زنان شایسته در غیبت شوهران شان، عفت خود را نگه می دارند».

سرپرستی در نظام خانواده. خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سر پرست واحدی داشته باشد، زیرا رهبری و سرپرستی دسته جمعی که زن و مرد مشترکا آن را به عهده بگیرند مفهومی ندارد در نتیجه مرد یا زن یکی باید «رئیس» خانواده و دیگری «معاون» و تحت نظارت او باشد، قرآن در اینجا تصریح می کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود، می گوید: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند» (الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ). البته مقصود از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسؤولیت ها و مشورت های لازم است.

^۲ Bromley

. سوره نساء، آیه ۳۴.

جمله بعد که دو بخش است در قسمت اول می‌فرماید: «این سرپرستی به خاطر برتری‌هایی است که (از نظر نظام اجتماع) خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است» (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ). و در قسمت دوم می‌فرماید: «و نیز این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد پرداختهای مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند» (وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ). سپس اضافه می‌کند که زنان در برابر وظایفی که در خانواده به عهده دارند به دو دسته‌اند:^۴

دسته اول: «و زنان صالح، زانی هستند که متواضعند و در غیاب (همسر خود) حفظ اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، می‌کنند» (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ). یعنی مرتکب خیانت چه از نظر مال و چه از نظر ناموس و چه از نظر حفظ شخصیت شوهر و اسرار خانواده در غیاب او نمی‌شوند، و وظایف و مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام می‌دهند.

دسته دوم: زانی هستند که از وظایف خود سرپیچی می‌کنند و نشانه‌های ناسازگاری در آن‌ها دیده می‌شود، مردان در مقابل این گونه زنان وظایفی دارند که باید مرحله به مرحله اجرا گردد، در مرحله اول می‌فرماید: «زنانی را که از طغیان و سرکشی آن‌ها می‌ترسید پند و اندرز دهید» (وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ).

در مرحله دوم می‌فرماید: «در صورتی که اندرزهای شما سودی نداد، در بستر از آن‌ها دوری کنید» (وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ). در مرحله سوم: در صورتی که سرکشی و پشت پا زدن به وظایف و مسئولیت‌ها از حد بگذرد و همچنان در راه قانون‌شکنی با لجاجت و سرسختی گام بردارند، نه اندرزها تأثیر کند، و نه جدا شدن در بستر، و کم‌اعتنایی نفعی نبخشد، و راهی جز «شدت عمل» باقی نماند «آن‌ها را تنبیه بدنی کنید» (وَ اضْرِبُوهُنَّ).

مسلم است که اگر یکی از این مراحل مؤثر واقع شود و زن به انجام وظیفه خود اقدام کند مرد حق ندارد بهانه‌گیری کرده، در صدد آزار زن برآید، لذا به دنبال این جمله می‌فرماید: «پس اگر آن‌ها از شما اطاعت کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها مجوید» (فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا).

و در پایان آیه مجدداً به مردان هشدار می‌دهد که از موقعیت سرپرستی خود در خانواده سوء استفاده نکنند و به قدرت خدا که بالاتر از همه قدرت‌هاست بیندیشند «زیرا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است» (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا).

امور خانواده باید با تفاهم و مشاوره و همکاری زن و شوهر انجام بگیرد، ولی به هر حال این اجتماع کوچک مانند هر جامعه‌ی دیگری، بدون یک سرپرست و مدیر با تدبیر و با نفوذ، به خوبی اداره نخواهد شد. اکثر خانواده‌های بدون مدیر، وضع مطلوبی ندارند؛ بنابراین یا زن باید سرپرستی و مسئولیت نگه داری

خانواده را بر عهده بگیرد یا مرد. از آنجا که جنبه‌ی تعقل بیشتر مردان بر زنان برتری دارد و برای تدبیر و نظارت بر زندگی، آمادگی بیشتری دارند و برای تحمل دشواری‌ها بیشتر آماده‌اند، مسئولیت سرپرستی خانواده بر عهده‌ی آنان نهاده شده است. برعکس بانوان که بیشتر احساسات و عواطف آنان بر مردان فزونی دارد؛ بنابراین صلاح خانواده در این است که سرپرستی مرد را بپذیرد و کارهای مهم زندگی را با مشورت و صلاح دید او انجام دهد و در مورد اختلاف، حاکمیت او را بپذیرد. منظور از سرپرستی مرد این نیست که با اعمال قدرت و خودمحموری، خانواده را اداره کند و فعال ما یشاء باشد و به اعضای خانواده حق اظهار نظر ندهد. بلکه با مشاوره و تبادل نظر سایر اعضای خانواده و جلب همکاری آنان در اداره‌ی امور تفاهم در حل مشکلات و حرف آخر زدن با سرپرست خانواده می‌باشد.^۵ (امینی، ۱۳۸۶)

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۳۹۷.

ابراهیم، امینی، آشنایی با وظایف و حقوق زن، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۶۶.

۵- نفقه‌ی زن

از نظر اسلام، تأمین هزینه‌ی خانواده از جمله مخارج همسر و فرزندان بر عهده‌ی مرد می‌باشد، مرد وظیفه دارد کلیه‌ی مخارج همسرش را تأمین کند، اگرچه خود زن ثروتمندتر از شوهرش باشد. وجوب نفقه یکی از احکام قطعی اسلام است و حق زوجه است، اگر مرد آن را نپردازد، به صورت دین بر ذمه‌اش باقی می‌ماند و عندالمطالبه باید آن را بپردازد، و چنان چه از پرداخت نفقه امتناع کند، حاکم شرع اسلام می‌تواند زن را طلاق دهد.^۶ (امینی، ۱۳۸۶)

نفقه‌ی زن به دو صورت می‌باشد: نفقه‌ی واجب؛ نفقه‌ی مستحبی.

نفقه‌ی واجب: شامل هزینه‌هایی است که شوهر در تأمین آن‌ها مسئولیت شدیدی داشته و باید آن‌ها را فراهم نماید و آن‌ها عبارتند از فراهم نمودن مسکن مناسب، تهیه‌ی خوراک و پوشاک، تأمین هزینه‌های بهداشتی و درمانی، حفظ آبرو و حیثیت زن و فراهم نمودن وسایل زندگی مطابق هم شأن‌های او. اسلام در این باره احادیث زیادی ذکر نموده از جمله: عن علی بن موسی الرضا: «يَنْبَغِي لِلرِّجَالِ أَنْ يُوسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِيَلَا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ»^۷ سزاوار است مردها به زندگی خود تا حد امکان توسعه دهند تا اعضای خانواده‌شان مرگ آنان را آرزو ننمایند». (سبحانی، ۱۳۷۰)

نفقه‌ی مستحبی: از نظر اخلاقی، مرد موظف است هرچه در توان دارد، نسبت به همسر و خانواده‌ی خود محبت نموده و با روی گشاده و محبت با آن‌ها رفتار نماید. عن علی بن الحسین (علیه السلام): «أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَقُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ»^۸ محبوب‌ترین شما در پیشگاه الهی کسی است که به خانواده‌اش بیشتر نیکی نموده و زندگی آنان را توسعه دهد». (سبحانی، ۱۳۷۰)

این احادیث نشان می‌دهند که نیکی به خانواده و تلاش در توسعه‌ی زندگی آنان، در پیشگاه خدا و ائمه‌ی اطهار (علیه السلام) از بهترین اعمال بوده و پاداش این کار حتی از آزاد کردن برده‌ای در راه خدا بالاتر است و این صفات از علائم ایمان می‌باشد و آثار این صفت این است که خدا نعمت خود را به چنین کسانی ارزانی نموده و چنین خانواده‌هایی در مهر و صفا و آرامش کامل زندگی می‌کنند.^۹ (سبحانی، ۱۳۷۰)

شرایط وجوب نفقه و مانع آن

وجوب نفقه بر مرد زمانی ایجاد می‌شود که علاوه بر رابطه زوجیت دائم با همسرش، همسرش از وی تمکین نماید زیرا مقنن در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظیفه زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.»

پس اگر زن بدون عذر موجه حاضر نشود که با شوهر خود در یک محل زندگی کند یا با او در تشییید مبانی خانواده همکاری نکند، یا به خواسته‌های مشروع او در مورد معاشرت با دیگران بی‌اعتنا بماند، حقی بر گرفتن نفقه ندارد، چنین زنی را در اصطلاح حقوقی «ناشزه» و وضع او را «انشوز» می‌نامند.

همان، ص ۸۰.^۶

جعفر، سبحانی، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، بدر، ۱۳۷۰، ص ۱۹۴، به نقل از فروع کافی، ص ۱۱.^۷

همان، به نقل از شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۸، ص ۳۷۹.^۸

همان، ص ۱۹۵.^۹

امتناع از ادای وظیفه زوجیت در صورتی موجب نشوز است که زن عذر موجه نداشته باشد، پس اگر زن به سبب خوف بدنی یا مالی یا شرافتی از سکونت در اقامتگاه شوهر خودداری کند، کار او باعث اسقاط نفقه نیست (ماده ۱۱۱۵ ق.م). همچنین هرگاه زن از حق حبس استفاده کند و تمکین از شوهر را منوط به گرفتن مهر خود سازد این خودداری، حق او در مطالبه نفقه از شوهر را از بین نمی‌رود.

مهمترین سوالی که ممکن است در مورد نفقه مطرح شود این است که آیا تمکین شرط استحقاق زن در مطالبه ی نفقه است، یا نشوز مانع استقرار آن می‌شود؟ یا به عبارتی، هرگاه زن از طریق دادگاه مطالبه ی نفقه کند آیا باید علاوه بر اثبات رابطه ی زوجیت، ادای وظایف زناشویی از جانب خود (تمکین) را ثابت نماید یا اثبات نشوز زن برای رفع تکلیف انفاق به عهده ی شوهر است؟ مسأله در فقه امامیه اختلافی است.

نظر عده ای از فقهاء امامیه این است که بعد از اثبات زوجیت، زوجه برای مطالبه نفقه باید تمکین خود را نیز در مقابل زوج ثابت نماید و صرف اثبات وقوع عقد نکاح برای مطالبه نفقه کافی نیست. بنابر این، سبب وجوب نفقه در این دیدگاه، اثبات عقد همراه با اثبات تمکین زوجه است، زیرا اصل بر عدم تمکین زوجه است و زن باید تمکین را ثابت کند تا دادگاه حکم به انفاق دهد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۵۵).

نظر دیگر در میان سایر فقهای امامیه این است که صرف اثبات تحقق نکاح، زوج را موظف می‌نماید که نفقه زوجه را بپردازد و تنها چیزی که این وجوب را ساقط می‌کند، بروز نشوز زوجه است که مانع پرداخت نفقه است، بار اثبات نشوز هم که مانع وجوب نفقه است بر عهده ی زوج خواهد بود. پس اصل بر تمکین است و عدم تمکین (نشوز) مانع وجوب انفاق است و تا زمانی که وجود مانع اثبات نشده است وجوب نفقه که معلق به زوجیت است استمرار پیدا می‌کند (نجفی ۱۳۷۰، ۲۸۸ و ۳۸۹).

با توجه به ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «در عقد دائم نفقه زن بر عهده ی شوهر است» و نیز ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود» می‌توان گفت که قانون مدنی ایران از نظریه دوم تبعیت کرده، لذا صرف اثبات نکاح به وسیله ی زن برای دعوی مطالبه نفقه کافی است و دادگاه با احراز این امر حکم به سود زن خواهد داد مگر اینکه شوهر ثابت نماید که زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع نموده است و نیز دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۶۱۴ (غیر الزام آور است چون وحدت رویه نمی‌باشد که در سال ۱۳۱۶ صادر شده این مطلب را تأیید می‌کند و چنین مقرر می‌دارد: «اثبات زوجیت برای مطالبه نفقه کافی است، مگر جهات دیگری موجب عدم استحقاق زوجه باشد و استدلال دادگاه استان به اینکه قباله نکاحیه دلیل اشتغال ذمه شوهر نمی‌باشد صحیح نیست» (کمانگر، ۱۳۴۳، ۱۷۸).

بنابر این باید گفت که عقد مقتضی نفقه و نشوز مانع آن است و اصل عدم مانع است و وجود مانع نیاز به اثبات دارد. به محض وقوع عقد، اصل بر تمکین زن و استحقاق وی به دریافت نفقه است و در این خصوص اثبات تمکین شرط نمی‌باشد.

۶- تأمین نیاز جنسی زن

یکی از شگفتی‌های نظام خلقت، رابطه‌ی عاشقانه بین موجودات زنده برای لذت بردن از زندگی و تولد و بقاء نسل است. در بین حیوانات، انسان اشرف آنها بوده و باید این رابطه‌ی عاشقانه را آن طور که لایق اوست و آن طور که مد نظر پروردگار اوست، انجام دهد.

زن و شوهر در تأمین و اشباع جنسی یکدیگر لازم است فوق العاده هوشیار و دقیق باشند و این خواسته‌ی طبیعی را به صورت مطلوب و مشروع جوابگو باشند و از جهت کمی و کیفی طوری رفتار کنند که علاقه و عشق همدیگر را جذب کنند، عنان قلبشان در اختیار یکدیگر قرار بگیرد و جز همسر، هرگز عشق دیگری را در دل نپروراندند. اگر این نیاز برآورده نشود قهراً عوارض نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت که سرکوفتگی، انحراف، بی‌عفتی، بی‌رغبتی به همدیگر، ستیز و خصومت و غیره می‌باشد.

آیین مقدس اسلام با ظرافت تمام این نیاز طبیعی انسان را مورد توجه قرار داده، پیروان خود را به طور دقیق رهبری می‌نماید و به آنان و به ویژه شوهر سفارش می‌کند که طبیعت زن توأم با حیاء و عفت و شرم گذاشته شده است. او نمی‌تواند در اظهار نیازش پیش دستی کند و از شوهرش کام بگیرد. لذا شوهر موظف است همسر خود را در این زمینه نیز فراموش نکند و با شوخی‌ها و عشق‌های مقدس خود، دل او را به دست آورده و با کیفیت دلخواه وی آمیزش نماید. روایت‌های فراوانی در این زمینه ذکر شده است.

عن علی (علیه السلام): «رُضَاهُنَّ فِي فُرُوجِهِنَّ»^{۱۰} خوشحالی و رضایت زن، توأم با مسأله‌ی آمیزش و امور جنسی میسر است و بدون آن هرگز خشنودی آنان متصور نیست» (سبحانی، ۱۳۷۰)

عن النبی (صلی الله علیه وآله): «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ... مَوَاقِعُهُ الرَّجُلُ أَهْلُهُ قَبْلَ الْمَلَاعِبَةِ»^{۱۱} (سبحانی، ۱۳۷۰) سه چیز از ظلم و ستم محسوب می‌گردند؛ یکی از آن‌ها این است که مرد بدون مقدمه‌ی لازم و شوخی مطلوب، با همسرش آمیزش کند. از احادیث مذکور چنین به دست می‌آید که اولاً زن و مرد باید تمام لذائذ مشروع جنسی را نسبت به همدیگر فراهم و آمیزش نباید مثل آمیزش حیوانات بدون مقدمه و احیاناً با زور و اجبار همراه باشد؛ زیرا آمیزش بدون مقدمات آن اشباع‌کننده نبوده و موجب رضایت و لذت کامل زن و مرد نمی‌باشد. ثانیاً احادیث اسلامی گویای یک نکته‌ی بسیار عمیق و مبارزه با انحراف فکری قشری است؛ زیرا دوری از زنان و مادی مقدس می‌دانند، مخالف سنت نبوی و آیین مقدس اسلام می‌باشند؛ زیرا مؤمن واقعی کسی است که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام بدان و بدون علت نعمت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است برای خود تحریم نکند و زنان را که مایه‌ی سکون و آرامش قلبی شوهران خود هستند، فراموش ننمایند. ترک آمیزش با زنان باعث تضییع حقوق آنان و از نظر اسلامی موجب مؤاخذه قرار می‌گیرند. شرم و حیا مانع ابراز نیاز جنسی از سوی زنان می‌شود؛ بنابراین شوهران باید سعی کنند به موقع به فریاد درونی زنان خود برسند و آن‌ها را از انحراف اخلاقی دور نگه دارند.^{۱۲} (سبحانی، ۱۳۷۰)

۷- غیرت و محافظت از ناموس خانواده

یکی از موضوعاتی که برای مرد نسبت به همسر خود لازم است، موضوع غیرت و پاسداری از حرمت و کرامت زن است. در فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تأکید زیادی بر مسأله‌ی غیرت شده است. دین مقدس اسلام غیرت و حفظ ناموس را از آثار ایمان و مردانگی می‌داند و این موضوع با مسأله‌ی سوء ظن فرسنگ فاصله دارد. اسلام، سوء ظن و بدگمانی بی‌جهت را گناه کبیره می‌داند، اما در مقابل، غیرت و حفظ ناموس را نیز واجب و جزء ایمان می‌داند.^{۱۳} (نوری همدانی، ۱۳۸۳)

همان، ص ۲۰۰، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۰.^{۱۰}

همان، ص ۱۹۹، به نقل از بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.^{۱۱}

همان، ص ۲۰۰-۲۰۱.^{۱۲}

حسین، نوری همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، مهدی موعود، ۱۳۸۳، ص ۴۲۳.^{۱۳}

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «غیرة الرجل ایمان؛^{۱۴} غیرت مرد و حراست او از ناموسش، ایمان اوست». (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳)

چنان چه مولای متقیان امیر المؤمنین می‌فرماید: «فرد با ایمان، غیرت را جزء ایمان می‌شمارد و از ناموس خود محافظت می‌کند و از سوء ظن و بدگمانی اجتناب می‌نماید و نسبت به ناموس دیگران نیز به چشم بد نگاه نمی‌کند و از عکس العمل آن وحشت می‌نماید چنان چه می‌فرماید: ما زنی غیور قَطُّ».^{۱۵} (شریف رضی، ۱۳۷۱)

نیز در جای دیگر امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «از اختلات زن و مرد شدیداً اجتناب کنید من از عواقب چنین کارهایی اظهار وحشت می‌کنم و مردانی را که به این حرکت‌ها راضی شوند، بی غیرت می‌گویند». هم‌چنین ایشان به فرزند عزیزش امام مجتبی (علیه السلام) دستور می‌دهند:

«اگر می‌توانی همسر خود را طوری نگهداری نما که او جز تو هیچ مردی را نبیند که این کار به صلاح تو می‌باشد؛ زیرا مصونیت زنان در حجاب و پرده نشینی است و این را نیز بدان، ضرر افراد نامناسب که به خانه‌ها وارد می‌شوند، کمتر از آن نمی‌باشد که زنان از خانه خارج شوند، یعنی از ورود افراد نامناسب جلوگیری کن تا همسرت در خانه نیز مصون بماند».^{۱۶} (شریف رضی، ۱۳۷۱)

۸- احترام و خوشرفتاری با همسر

یکی از نشانه‌های قدرت و توان خداوند متعال در آفرینش، ازدواج می‌باشد و قرآن کریم اشاره نموده است که همسران مایه‌ی آرامش دل‌ها و عشق مقدس در کانون خانواده می‌باشند و با مهر و محبت ویژه‌ای صفا و نشاط بیشتری به اعضای خانواده می‌بخشند. قرآن کریم کیفیت زندگی و برخورد دوستانه و محبت آمیز زن و شوهر را راهنمایی می‌کند که آنان آنچنان باید با همدیگر عاشقانه و با لطف و محبت معاشرت کنند که کانون خویش را به بهشت برین تبدیل نمایند و خستگی‌های بیرونی را بدین وسیله مرتفع سازند و خوشرفتاری با همسر، علاوه بر این که در کانون خانواده صفا و آرامش خاطر ایجاد می‌کند، زن و شوهر را به هم مهربان می‌سازد و موجب پاداش اخروی و تقرب در پیشگاه الهی نیز می‌گردد.^{۱۷} (سبحانی، ۱۳۷۰)

لذا، قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».^{۱۸} و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید. تا به ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرتهایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند».

این آیه نیز بخش دیگری از آیات انفسی را که در مرحله بعد از آفرینش انسان قرار دارد مطرح کرده، می‌فرماید: «و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید» (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا).

و از آن جا که ادامه این پیوند در میان همسران، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد» (وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً).

۱۴. هاشم، رسولی محلاتی، غررالحکم و دررالحکم، فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۷۷.

۱۵. شریف رضی، نهج البلاغه، قم، نبوی، ۱۳۷۱، حکمت ۲۹۷، ص ۱۲۳۲.

۱۶. همان، نامه ۳۱، ص ۹۳۹.

۱۷. جعفر سبحانی، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، ص ۲۶۷.

۱۸. روم/۲۱.

و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ).

و از این جا می‌توان نتیجه گرفت آن‌ها که پشت پا به این سنت الهی می‌زنند وجود ناقصی دارند، چرا که یک مرحله تکاملی آن‌ها متوقف شده مگر آن که به راستی شرایط خاص و ضرورتی ایجاب تجرد کند.

عن النبی (صلی الله علیه وآله): «خياركم خياركم لنسائهم»^{۱۹} بهترین شما کسانی هستند که برای زنان‌شان بهتر باشند».

عن النبی (صلی الله علیه وآله): «جمال المرء فصاحة لسانه»^{۲۰} زیبایی مرد در نیکویی کلام اوست».

از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده که می‌فرماید: «گفتن مرد به زن خود که من تو را دوست دارم، هرگز از دل او بیرون نمی‌رود».^{۲۱} (مجلسی، ۱۳۸۶)

احترام گذاشتن و خوشرفتاری با همسر، علاوه بر این که در کانون خانواده صفا و صمیمیت و آرامش خاطر را ایجاد می‌نماید، زن و شوهر را به هم مهربان و صمیمی می‌سازد و موجب پاداش اخروی و تقرب در پیشگاه الهی نیز می‌گردد.

۷. زن، امانت الهی نسبت به همسر

زندگی و سازش افراد ناآگاه و بی ضابطه، بسیار مشکل و محال است و معاشرت کردن با این گروه‌ها باعث ناراحتی‌های جسمی و روحی می‌گردد. هم‌چنین سازش کردن با اشخاص استثمارگر که آگاهانه حقوق و شخصیت دیگران را فدای خویش می‌نمایند، فوق العاده دردآور می‌باشد.

شوهر خوب کسی است که همسرش را مانند خود، دارای اراده و افکار مستقل بداند و حقوق او را در طول زندگی مشترک، محترم بشمارد و توجه داشته باشد که زن و مرد از نظر جسمی و روحی تفاوت‌هایی داشته و این تفاوت‌ها قهراً باعث اختلاف سلیقه در کیفیت زندگی و معاشرت‌ها و آداب و رسوم خواهد بود. برای برطرف شدن این اختلاف‌ها و جلوگیری از آن‌ها لازم است زن و مرد آگاهی‌های خود را افزایش دهند.

مرد باید از هرگونه استثمارگری در مورد خانواده‌اش اجتناب نماید و سعی کند از راه دوستی و محبت، همسرش را به خانه‌ی خویش جلب نماید و از آزردن روح و روان همسر خود جداً خودداری کند. طبق احادیثی، امانت‌گرانبه‌ی الهی می‌باشد و آن گونه که شرط امانت داری است را داشته باشد.^{۲۲} (سبحانی، ۱۳۷۰)

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «اتقوا الله فی النساء فانهن عواری عندکم»^{۲۳} از هرگونه اجحاف و ستم در مورد زنان‌تان خودداری کنید؛ زیرا آنان در اختیار شما هستند امانت‌های الهی می‌باشند».^{۲۴} (سبحانی، ۱۳۷۰)

احادیث این را می‌رسانند که شوهر ممتاز آن کسی است که همسرش را امانت الهی دانسته و در اکرام و احترام او بکوشد و شرط امانت داری را کاملاً رعایت کند و بداند که همسرش نیز مانند او دارای عواطف و احساسات است. بنابراین مرد با کمال بزرگواری خطاهای همسرش را تا حد امکان ببخشد و عفو اغماض را جایگزین آن کند. بدین وسیله بزرگواری خود را نسبت به او نشان دهد، بدون تردید همسر او هم تحت تأثیر محبت او قرار می‌گیرد و روز به روز به سوی کمال گام بر خواهد داشت.

^{۱۹} نهج الفصاحه، ص ۲۰۷.

^{۲۰} همان، ص ۱۹۴.

^{۲۱} محمد باقر، مجلسی، حلیه المتقین، ص ۱۸۲، به نقل از اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

^{۲۲} . جعفر سبحانی، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، بدر، ۱۳۷۰، ص ۲۵۷.

^{۲۳} همان، به نقل از سنن بیهقی، ج ۷، ص ۳۰۴.

۹- بخشش و سخاوت شوهر

بخشش و سخاوت، یک صفت عالی انسانی و مذهبی است که دین مبین اسلام بدان توصیه کرده است. این صفت از نظر اجتماعی دارای اهمیت خاصی بوده و مردم برای آن ارزش فراوانی قائلند و کسی که واجد آن باشد، مورد احترام اقشار مختلف اجتماع قرار می‌گیرد. این خصلت در گسترش روزی و دفع تنگدستی، اثر عجیبی دارد. قرآن مجید و پیشوایان معصوم، پیروان خود را به بذل و بخشش و رسیدگی به ایتام و مستمندان دعوت نموده و انجام آن را عامل سعادت و خوشبختی فرد و اجتماع می‌داند و این موضوع را در مورد خانواده‌ها مورد تأکید بیشتری قرار داده است؛ زیرا توسعه‌ی زندگی و رفاه خانواده و بخشش نسبت به تک تک اعضا آن، در پیوند استحکام خانواده‌ها شدیداً مؤثر است و دل‌های آنان را نسبت به هم مهربان‌تر و سعادت آنان را در رسیدن به تفاهم و هماهنگی تضمین می‌نماید.^{۲۴} (سبحانی، ۱۳۷۰)

قال الاصادق (علیه السلام): «كفى بِالْمَرْءِ اثمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَعُولُهُ؛^{۲۵} کسی که حقوق خانواده‌اش را ضایع نموده و بی توجهی نماید، در پیشگاه الهی گناهکار است». (سبحانی، ۱۳۷۰)

از روایت‌هایی که در این باره ذکر شده به دست می‌آید که احسان و بخشش بر خانواده، بزرگ‌ترین پاداش را در پیشگاه الهی داشته و این صفت یکی از امتیازات شوهران خوب به شمار می‌آید و در جلب محبت همسر و تحکیم پیوند زناشویی فوق العاده مؤثر است و از همه مهم‌تر خانواده را از نظر انحراف اخلاقی و توجه به دیگران باز می‌دارد.

۱۰- تأمین فضای معنوی

مرد باید خانواده خود را از جهنم نجات دهد و فضای معنوی و بهشتی در خانه ایجاد نماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً... ای کسانی که ایمان آوردید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید».

خانواده خود را از آتش دوزخ نجات دهید! به دنبال اخطار و سرزنش نسبت به بعضی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خداوند در این آیه، روی سخن را به همه مؤمنان کرده، و دستوراتی در باره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آن‌ها می‌دهد.

نخست می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید» (یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً وقودها الناس و الحجارة)

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر، و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است.

این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود.

سپس می‌افزاید: «فرشتگانی بر آن آتش گمارده شده، که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند، و آنچه فرمان داده شده‌اند (بطور کامل) اجرا می‌کنند» (علیها ملائكة غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون).

^{۲۴}. همان، ص ۲۴۱.

همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱.^{۲۵}

۱۱- نتیجه

خانواده واحد اجتماعی است که از ازدواج زن شوهر تشکیل شده و فرزندان آن را تکمیل می‌کنند. یکی از سنت‌های پسندیده بشری که از دیرباز میان انسانها متداول است. بی شک، تشکیل زندگی متضمن اهدافی است که شامل: آرامش روحی و روانی، تکثیر نیل بشری، تأمین غریزه جنسی و شهوانی، پرورش فرزندان سالم، تکامل اخلاق و معنویت، حفظ ایمان، گسترش روابط اجتماعی و رشد اقتصادی می‌باشد. از این رو، زن در خانواده وظایفی بر عهده دارد؛ از جمله: وظایف زن نسبت به همسر، فرزندان و اطرافیان که با اجرای هر کدام می‌تواند کانون گرم خانواده را به محیطی برای پیشرفت و تعالی تبدیل کند. هم‌چنین، شوهر نیز حقوق و وظایف خاصی نسبت به زن خویش دارد؛ که از قبیل سرپرستی و قیومیت خانواده، حقوق مادی و نفقه زن، تأمین نیاز جنسی زن، غیرت و محافظت از وی، احترام خوش‌رفتاری با همسر می‌باشد. نگارنده در مقاله حاضر به بررسی تفصیلی موارد پیش‌گفته پرداخته شده است.

منابع

الف) منابع فارسی

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آمدی، عبد الواحد، (۱۳۸۶)، *غرر الحکم ودررالحکم*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، جلد ۱، (چاپ پنجم)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، *آشنایی باوظایف وحقوق زن*، بوستان کتاب.
۳. ارفع، کاظم، (۱۳۶۹)، *خانواده درمکتب اهل بیت (علیهم السلام)*، تهران، سلمان.
۴. اسلامی پناه، هادی، *ازدواج پژوهی درآیات الهی*، کتاب زنان، شماره ۲۷.
۵. انصاریان، حسین، (۱۳۸۰)، *نظام خانواده دراسلام*، (چاپ شانزدهم)، باقری، انتشارات ام ابیها.
۶. بستان، حسین، (۱۳۸۳)، *اسلام وجامعه شناسی خانواده*، قم: پژوهشکده حوزه ودانشگاه.
۷. حسین خانی نائینی، هادی، (۱۳۹۱)، *فرایندهمسرگزینی*، قم: انتشارات بنشاسته.
۸. حسینی زاده، علی، (۱۳۸۵)، *تربیت فرزند*، جلد ۱، قم: انتشارات زیتون.
۹. حسینی، داود، (۱۳۸۹)، *روابط سالم درخانواده*، (چاپ هفدهم)، قم: موسسه بوستان کتاب.
۱۰. حکیم، منذر، (۱۳۹۱)، *درسنامه زندگانی وسیره حضرت زهرا (سلام الله عتیها)*، (چاپ اول)، نگارش، مرکز نشرهاجر.
۱۱. حر عاملی، محمد، (۱۴۱۲)، *وسائل الشیعه*، جلد ۱ و ۲۰، قم: موسسه آل بیت.
۱۲. دستغیب، عبد الحسین، (۱۳۸۵)، *ازدواج اسلامی*، قم: اسلامی.
۱۳. رحیمی شاهی، رقیه، ناصری کرمانشاهی، حمید، (۱۳۸۹)، *بانوی مهر*، بقیع، توسعه قلم.
۱۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۰)، *مسائل ازدواج وحقوق خانواده*، بدر.
۱۵. صفری، محمد، (۱۳۸۵)، *زن وشوهر از نظر اسلام*، مشهد، زر افشان.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۶)، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیرالقران*، ترجمه مترجمان، جلد ۲۰، انتشارات فراهانی.
۱۷. طاهری، حبیب الله، (۱۳۷۰)، *سیری درمسائل خانوادگی*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیرالمیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی، جلد ۴، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طاهری، علیرضا، (۱۳۷۸)، *اخلاق خانواده*، تهران: نمایندگی ولی فقیه درسپاه.
۲۰. عیسی زاده، عیسی، *خانواده قرآنی (ویژگی ها ووظایف اعضای آن)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰.
۲۱. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، *گفتار فلسفی: کودک از نظر وراثت وتربیت*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. فصلنامه تخصصی طهورا، (۱۳۸۹)، ش ششم، قم: موسسه آموزش عالی بنت الهدی.
۲۳. فیض کاشانی، محمدحسین، (۱۳۸۶)، *تفسیر صافی*، جلد ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

Legal duties of the husband towards the wife

Siran Kahrizan Poor

Fatima Zahra Seminary, Kamiyaran, Kurdistan Researcher

Abstract

Family is a social unit formed by the marriage of husband and wife and their children complete it. One of the popular human traditions that has been common among people for a long time. Undoubtedly, the formation of life includes goals that include: mental and psychological peace, proliferation of human desire, provision of sexual and sensual instincts, raising healthy children, development of morals and spirituality, maintaining faith, expanding social relations and economic growth. Therefore, a woman has duties in the family, such as: a woman's duties towards her husband, children and people around her. which, with the implementation of each one, can turn the warm center of the family into an environment for progress and excellence. Also, the husband has certain rights and duties towards his wife; such as: guardianship and guardianship of the family, material rights and alimony of the wife, provision of the sexual needs of the wife, zeal and protection of the honor of the family, cleanliness of the husband for the wife, respect and good behavior towards the wife, God's trust towards the wife and forgiveness and generosity of the husband is. In this article, the aforementioned cases have been investigated.

Keywords: Wife's Rights, Alimony, Dowry, Family.
